



طلاق عاطفی و طرح‌واره‌های هیجانی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی: نقش واسطه‌ای هوش هیجانی

دانشجوی دکتری گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
استادیار گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
استاد گروه روانشناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

ندا انتظارخیر 

مرضیه علیوندی وفا* 

سیدداوود حسینی نسب 

dr.vafa@gmail.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷
<http://Aftj.ir>

دوره ۳ | شماره ۲ پیاپی ۱۱ | ۳۶۱-۳۷۷
تابستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف: این پژوهش باهدف، طلاق عاطفی و طرح‌واره‌های هیجانی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی: نقش واسطه‌ای هوش هیجانی انجام شد. **روش پژوهش:** روش این پژوهش مقطعی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مشاوره منطقه ۱ شهر تهران با حیطه مشاوره‌ی زوج‌درمانی در سال ۱۴۰۰ تشکیل دادند که از میان آن‌ها، تعداد ۲۲۰ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در این پژوهش از ابزارهای طلاق عاطفی (گاتمن، ۱۹۹۹)، طرح‌واره‌های هیجانی (لیپی، ۲۰۰۲) و هوش هیجانی (بار-آن، ۱۹۸۰) استفاده شد که همگی از اعتبار و پایایی قابل‌قبولی برخوردار بودند. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS-V22 و Amos-V22 استفاده گردید. همچنین به‌منظور پاسخگویی به فرضیه‌های پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است؛ نتایج نشان داد طرح‌واره‌های هیجانی بر طلاق عاطفی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه‌کننده به مرکز روان‌شناسی تهران تأثیر مستقیم ندارد ($P=0/05$). **نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد طرح‌واره‌های هیجانی بر طلاق عاطفی با میانجیگری هوش هیجانی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه‌کننده به مرکز روان‌شناسی تهران تأثیر غیرمستقیم ندارد.

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(انتظارخیر، علیوندی‌وفا و حسینی‌نسب، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

انتظارخیر، ندا، علیوندی‌وفا، مرضیه، و حسینی‌نسب، سیدداوود. (۱۴۰۱). طلاق عاطفی و طرح‌واره‌های هیجانی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی: نقش واسطه‌ای هوش هیجانی. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۲ پیاپی ۱۱): ۳۶۱-۳۷۷.

کلیدواژه‌ها: طلاق عاطفی، طرح‌واره‌های هیجانی، هوش هیجانی

مقدمه

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی‌ترین و از لحاظ گستردگی جهان‌شمول‌ترین نهاد اجتماعی است؛ روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و به تبع آن جامعه از ثبات بیشتری برخوردار است (رمضانی فر، کلدی و قدیمی، ۱۴۰۰). واکنش متقابل خانواده، چگونگی کیفیت زندگی آن و تأثیر آن بر اجزا و نهادهای دیگر جامعه، اندیشمندان را بر آن داشته است که با رویکردهای مختلف به مطالعه این واحد اجتماعی بپردازند. طلاق عاطفی نوعی ناپهنجاری در نظام خانواده است که اگرچه به جدایی زوجین منجر نمی‌شود و بنا به دلایلی زن و شوهر همچنان در یک محیط و در زیر یک سقف در کنار هم به زندگی مشغول‌اند، اما زندگی آن‌ها به ازدواجی پوچ تبدیل شده است که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی است (استیل و کید، ۲۰۰۸). طلاق عاطفی به سردی روابط روحی، جسمی، عاطفی و حتی کلامی میان زوجین گفته می‌شود که سبب بی‌مهری و کم شدن محبت در خانواده می‌شود. طلاق عاطفی اولین مرحله فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی روبه‌زوالی است که احساس تلخ بیگانگی، جایگزین یگانگی و صمیمیت شده است (جاروان و ال-فرهت، ۲۰۲۰؛ هورویتز، هلن و ساندر، ۲۰۱۹). بر اساس نظریه مثلث عشق استرنبرگ، عشق متشکل از سه عنصر صمیمیت، اشتیاق و تعهد است. او معتقد است که عشق کامل تنها هنگامی صورت می‌پذیرد که اولاً هر سه عنصر در آن باشد و ثانیاً بین آن‌ها اعتدالی برقرار باشد (جهاندار لاشکی، کاکابرایی و حسینی، ۱۳۹۹). از دیدگاه استرنبرگ در مرحله طلاق عاطفی مرد یا زن به یکدیگر علاقه‌ای ندارند، نسبت به یکدیگر سردمزاج و بی‌اعتنائیند و صرفاً به دلیل احساس مسئولیتی که نسبت به زندگی خود یا فرزندانشان دارند به رابطه خود ادامه می‌دهند که در نتیجه آن، تنها ساختار بیرونی خانواده حفظ می‌شود اما از درون تهی است و زوجین بنا به‌ضرورت و اجبار با یکدیگر زندگی می‌کنند ولی روابط عاطفی سازنده و مناسبی با یکدیگر ندارند (ژانگ، ۲۰۱۹)؛ به عبارت دیگر طلاق عاطفی تهدید جدید برای زندگی زناشویی است که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش می‌کشد و سبب بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود (جورما، ۲۰۱۵). طلاق عاطفی معمولاً از شکایات زوجین نسبت به یکدیگر شروع می‌شود؛ انتظاراتی که به زبان آورده می‌شود اما تحقق نمی‌یابد (حاجی زاده میمندی، مداحی، کریمی، حدت و غروری، ۱۳۹۵). نتایج پژوهش سیمونیک و کلوبوکار (۲۰۱۷) نشان داد اساساً طلاق عاطفی پیامدهایی منفی برای فرد و جامعه در پی دارد و مشکلات فراوانی برای زوجین ایجاد می‌کند، به‌گونه‌ای که در شخصیت اعضای خانواده نوعی آشفتگی و بی‌سامانی به وجود می‌آورد و کیفیت روابط خانواده و تعهد زوجین را دچار تزلزل می‌سازد. به نظر می‌رسد زمانی که صمیمیت کاهش پیدا می‌کند و به تبع آن رضایت جنسی نیز در افراد دچار خلل می‌شود طلاق عاطفی شکل می‌گیرد و تنظیم هیجانی در زوجین دچار مخاطره می‌شود و باعث ایجاد طرح‌واره‌های هیجانی در زوجین می‌گردد (دامو و سنسی، ۲۰۲۱).

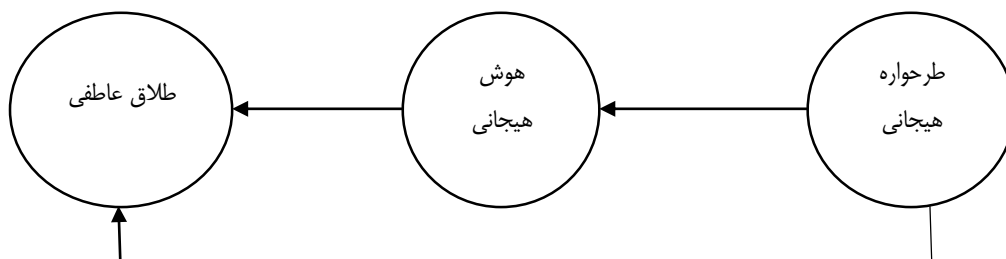
در حقیقت، طرح‌واره‌ها چنان‌که تصور می‌شد صرفاً بر مبنای شناختی قرار ندارند؛ به‌طوری‌که بیشترین تأثیر در رفتار بر عهده‌ی طرح‌واره‌های هیجانی است. طرح‌واره‌های هیجانی به شخصیت شکل داده و بر تعامل با سایرین، تجربه‌های هیجانی^۱ و تحلیل واکنش‌ها اثر می‌گذارند (دشتبان جامی، بیاضی، زعیمی و حجت، ۱۳۹۳). طرح‌واره‌های هیجانی اعتقاداتی در رابطه باریشه هیجان‌ها، تمایزها، گناه، غیرقابل کنترل بودن، خطر،

نیاز به منطقی بودن و قانونمند بودن هیجان می‌باشند. علاوه بر این، افراد، در حیطه‌ی کنترل، بازداری، اجتناب، تحمل، پذیرش و هیجانات، مشکل دارند که موجب افزایش استفاده از روش‌های ناسازگارانه مقابله، مانند نشخوار ذهنی، سوء‌مصرف مواد، اختلالات خوردن و نگرانی می‌شود. طرح‌واره‌های هیجانی روش‌هایی را که افراد، هیجان‌هایشان را تجربه می‌کنند، منعکس می‌کنند؛ بر این اساس، افراد طرح‌واره هیجانی متفاوتی با یکدیگر دارند (رهسپار، خیر، برزگر و کورش نیا، ۱۳۹۸). فراست و همکاران (۲۰۲۰) نیز در مطالعه خود نشان دادند که مردان و زنان دارای طرح‌واره‌های هیجانی اغلب خودگویی‌های منفی، باورهای ارتباطی ناکارآمد، خطاهای شناختی و ابراز‌گری هیجانی منفی را دارند که همگی منجر به سرزنش خویش و به تبع کنش منفی‌تری می‌شود. چو و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که بین طرح‌واره‌های هیجانی و افکار اتوماتیک منفی، عدم رضایت زناشویی و ابراز‌گری هیجانی منفی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین ابراز‌گری هیجانی منفی موجب افزایش افکار خودآیند منفی می‌شود.

از سوی دیگر پژوهشگران بر این باورند که هیجان‌ها در شکل‌دهی به رفتار و شخصیت انسان بسیار مؤثر هستند (فریس، سگورا و اکسپوزیتو، ۲۰۱۹). مدیریت هیجان‌ها همچنین دربرگیرنده ابراز مداوم هیجان‌های مثبت چون عشق، احساس همدلی، ایجاد جو اعتماد آمیز و لبریز از عشق و عاطفه است. به همین دلیل درست نیست که از هوش هیجانی^۱ تنها در ایجاد یک یافت مناسب و مطلوب زندگی خانوادگی استفاده کرد، بلکه باید از آن به‌عنوان مجموعه‌ای از توانایی‌ها که به ایجاد یک زندگی زناشویی مطلوب کمک می‌کند، بهره‌مند شد. به نظر می‌رسد که هوش هیجانی یا حداقل یک مهارت از مهارت‌های چندگانه آن، می‌تواند به زندگی مشترک همسران، غنای کافی ببخشد (سیفرار، ماجورانس و کاجتنا، ۲۰۲۰). بر اساس یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده روی تعاملات زندگی زناشویی، فرض بر آن است که اگر زوج‌ها از هیجان‌های همسرشان آگاه شوند، بتوانند هیجان‌هایشان را به‌صورتی واضح و آشکار به یکدیگر اطلاع دهند و ابراز کنند، زندگی بهتری خواهند داشت. برای این کار لازم است تا نسبت به علل، جوانب و پیامدهای هیجان‌هایشان بر زندگی زناشویی آگاه شوند (آنیامن، ۲۰۲۰). پژوهشگران دریافته‌اند که اصلاح و تنظیم هیجان‌ها در زمینه روابط زناشویی برای بعضی از زوج‌ها آسان‌تر از برخی دیگر. علت آن هم این است که به‌طور طبیعی گروه اول از خلق مثبت و شادی‌تر برخوردارند. در حقیقت، خصیصه‌های منفی هیجانی چون تکانش‌گری، عدم ثبات هیجانی، ترس و هراس و افسردگی نمی‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای میزان سازش و توافق در امر ازدواج باشند (داویس، مورنینگ استار، دیرکس و کوآلتر، ۲۰۲۰).

با توجه به نقش مهم طلاق عاطفی در به خطر انداختن سلامت خانواده و جامعه و نظر به این نکته که در مطالعات علمی و دانشگاهی ایران، طلاق عاطفی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، خلأ اینگونه پژوهش‌های بنیادی علمی، جدی به نظر می‌رسد. همچنین از منظر تحلیل، بیشتر چالش‌ها در حوزه تحلیل داده‌های روان‌شناسی از این واقعیت نشأت می‌گیرد که چه به‌صورت آشکار و چه تلویحی موجودیت‌های مورد مطالعه، دارای ابعاد بالایی بوده و واحدهای مورد مطالعه، جدا از یکدیگر نمی‌باشند (هیلسروث و استریکر، به نقل از خاتمی، بیان فر و طباطبایی، ۱۳۹۹)؛ بنابراین ارزش مربوط به آن‌ها به هم وابسته است. این اندازه‌ها کمیت‌های اساسی و پایه‌ای مطالعات پژوهشی حوزه روان‌شناسی را تشکیل می‌دهند. از این رو انعطاف‌پذیری

محاسباتی در زمان کاربرد روش‌های آماری و گسترش این روش‌ها ضروری است. ویژگی انعطاف‌پذیری تحلیل‌های شبکه سبب می‌شود تا مطالعه و آزمون رفتار شبکه بتواند برای بسیاری از ویژگی‌های شناخته‌شده در حوزه آسیب روانی (مانند بهبودهای خود‌انگیز و همبودی) پاسخ مناسب فراهم آورد؛ بنابراین این پژوهش باهدف طلاق عاطفی و طرح‌واره‌های هیجانی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی: نقش واسطه‌ای هوش هیجانی انجام شد.



شکل ۱. مدل پیشنهادی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه این پژوهش شامل کلیه‌ی زنان متأهل مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مشاوره منطقه ۱ شهر تهران با حیطه مشاوره‌ی زوج‌درمانی بود. با عنایت به نظر متخصصان آماری، در مطالعات مبتنی بر مدل یابی معادلات ساختاری، تعداد بالاتر از ۲۰۰ نفر مناسب تشخیص داده شده است (شوماخر و لومکس، ۱۳۸۸)؛ لذا در این پژوهش نیز از تعداد ۲۲۰ نفر برای انجام تجزیه و تحلیل آماری استفاده شد. همچنین، برای انتخاب آزمودنی‌ها، از روش غیر تصادفی در دسترس استفاده شد. در ادامه ابزارهای پژوهش آورده شده است.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن. پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۹) برای اندازه‌گیری میزان طلاق عاطفی افراد طراحی شده است. این پرسشنامه، تعاملی بوده و فاقد مؤلفه است. این پرسشنامه در ۲۴ گویه به شکل دوگزینه‌ای (بله یا خیر) تنظیم شده است. پس از جمع کردن پاسخ‌های مثبت، چنانچه تعداد آن برابر هشت و بالاتر باشد، به معنای این است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی در وی مشهود است. موسوی و رحیمی نژاد (۱۳۹۴) پایایی کل این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۳ گزارش کردند. مقادیر اشتراک و بار عاملی گویه‌های مقیاس نشان داد که بار عاملی همه سؤالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته و بار عاملی قابل‌قبولی دارند. روایی صوری این پرسشنامه نیز با نظر ۷ نفر از اعضای هیأت علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا تأیید شده است (موسوی و رحیمی نژاد، ۱۳۹۴).

۲. پرسشنامه طرح‌واره‌های هیجانی لیهی. این پرسشنامه توسط لیهی (۲۰۰۲) تهیه شده و شامل ۳۷ سؤال می‌باشد و در آن ۱۴ نوع طرح‌واره هیجانی بررسی می‌شود. روش نمره‌گذاری با طیف لیکرت (کاملاً درست ۶ تا کاملاً غلط ۱) می‌باشد. لیهی (۲۰۰۲) در پژوهش خود، روایی را با همبستگی گویه‌ها با خود و

همبستگی با سیاهه‌های چند محوری بالینی میلون، افسردگی و اضطراب بک و پرسشنامه فراشناختی کارترایت-هاتون وولز (۱۹۹۷) بررسی نموده و دریافت که اکثریت ابعاد ۱۴ گانه این مقیاس همبستگی معنی‌داری با افسردگی و اضطراب دارند. علاوه بر این بین ابعاد نیز رابطه معنادار وجود داشت پایایی با آلفای کرونباخ ۰/۸۱ بود. همچنین در تحقیق بیرواند (۱۳۹۳) ضریب الفای کرانباخ ۰/۸۴ به‌دست‌آمده است.

۳. پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن. این آزمون دارای ۱۱۷ سؤال و ۱۵ مقیاس می‌باشد که توسط بار-آن (۱۹۸۰) بر روی ۳۸۳۱ نفر از ۶ کشور (آرژانتین، آلمان، هند، نیجریه، آفریقای جنوبی) که ۴۸/۸ درصد آنان مرد و ۵۲/۲ درصد آنان زن بودند اجرا شده و به‌طور سیستماتیک در آمریکای شمالی هنجاریابی گردید. نتایج نشان داد که آزمون از حد مناسبی از اعتبار و روایی برخوردار است. پاسخ‌های آزمون نیز بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای در طیف لیکرت تنظیم شده است. برای نمره‌گذاری از ۱ تا ۵ نمره به گزینه‌ها متعلق می‌گیرد و در بعضی از ماده‌ها برعکس می‌باشد. نمره کل هر مقیاس برابر است با مجموع نمرات هر یک از سؤال‌های آن مقیاس و نمره کل آزمون برابر با مجموع نمرات ۱۵ مقیاس می‌باشد. کسب امتیازات بیشتر در این آزمون نشانگر موفقیت برتر در مقیاس موردنظر و یا در کل پرسشنامه و برعکس می‌باشد. نمرات بالاتر پیش‌بینی کننده بهتری برای کارکرد مؤثر در برابر تقاضا و فشارهای محیطی است و نشان می‌دهد که مهارت هیجانی اندازه گرفته شده، قوی، توسعه‌یافته و دارای عملکرد مؤثر است و نمرات پایین‌تر ناتوانی در موفقیت زندگی بر وجود مشکلات هیجانی اجتماعی یا رفتاری اشاره دارد. مقیاس‌های آزمون عبارت‌اند از: خودآگاهی هیجانی (توانایی آگاه بودن و فهم احساس خود)، خود ابرازی، عزت‌نفس، خودشکوفایی، استقلال، همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی (روابط بین فردی)، واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، حل مسئله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانشی (توانایی مقاومت در برابر یک تکانش)، خوش‌بینی، شادمانی. یکی از موارد هنجاریابی ایرانی این آزمون در اصفهان صورت گرفت. پایایی آزمون از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای مردان ۰/۷۴ و برای زنان ۰/۷۶ و برای کل افراد ۰/۹۳ محاسبه گردید. ضریب پایایی به روش باز آزمایی ۰/۶۸ گزارش گردید. پایایی حاصل از روش باز آزمایی در پژوهش محمدی (۱۳۸۵) ۰/۷۸ بود. همچنین ضریب همسانی درونی: این پرسشنامه، میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد.

روش اجرا. پس از تهیه و تنظیم پرسشنامه‌ها و با تأکید بر محرمانه ماندن اطلاعات و اصل رازداری توسط شرکت‌کنندگان تکمیل و داده‌های مدنظر جمع‌آوری شد؛ با توجه به ماهیت سؤال پژوهش و فرضیه‌های پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. لازم به ذکر است برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS-V22 و AMOS-V22 استفاده شد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان در پژوهش برابر با ۳۳/۷۸ (۳/۵۴) سال بود؛ از این بین ۲۴ نفر دارای مدرک تحصیلی فوق‌دیپلم، ۱۴۸ نفر دارای مدرک تحصیلی لیسانس و ۴۸ نفر دارای مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس و دکتری بودند؛ در ادامه و در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد:

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
طلاق عاطفی	۲۲۰	۱۸/۳۷	۲/۳۱	۱۱/۴۹	۲۳/۱۳
هوش هیجانی	۲۲۰	۳۱۳/۵۰	۱۷/۸۰	۲۶۱/۵۳	۳۶۵/۴۶
طرح‌واره‌های هیجانی	۲۲۰	۱۱۵/۲۰	۱۹/۵۰	۶۲/۶۲	۱۷۲/۱۵

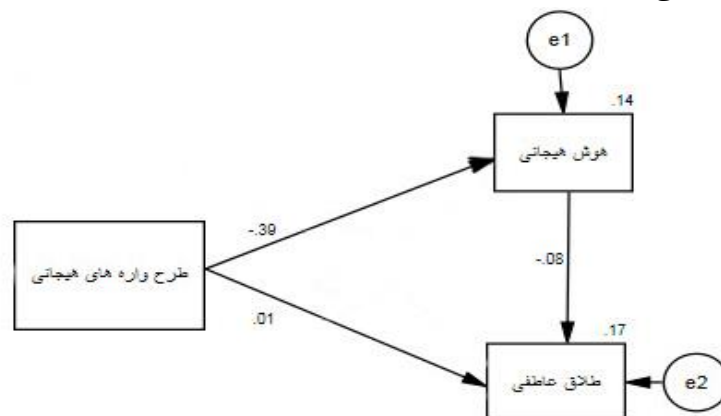
میانگین طرح‌واره‌های هیجانی در جدول ۱ برابر ۱۸/۳۷، هوش هیجانی (۳۱۳/۵۰) و طلاق عاطفی نیز برابر (۱۱۵/۲۰) می‌باشد. قبل از پرداختن به آزمون الگوی نظری، ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش همراه با سطح معناداری آن‌ها در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش همراه با سطح معناداری آن‌ها

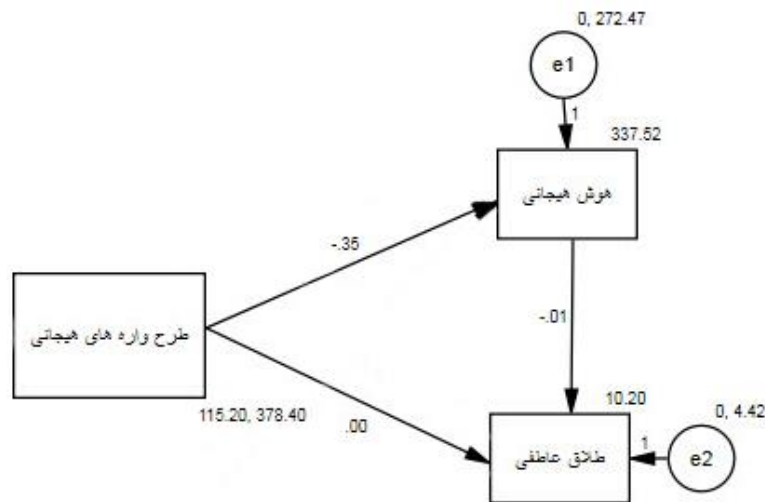
متغیرها	۱	۲	۳
طرح‌واره‌های هیجانی (۱)	۱	۰/۰۲	۰/۱۶*
هوش هیجانی (۲)	-	-	-۰/۰۹
طلاق عاطفی (۳)	-	-	۱

**<۰/۰۱, *<۰/۰۵

در جدول ۲ مقادیری که علامت ستاره در بالای آن درج شده نشان از معنی‌داری رابطه بین دو متغیر دارد. سایر رابطه‌ها از لحاظ آماری معنی‌دار نشده است. جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. لازم به ذکر است که تمامی تجزیه و تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS-22 و AMOS-22 انجام شده است. الگوی مفهومی بر اساس مبانی نظری ترسیم شد، سپس مدل پیشنهاد شده از طریق مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش بیشینه احتمال^۱ بررسی شد. شکل ۲ و ۳ مدل مفهومی اصلی تحقیق (استاندارد-غیراستاندارد) ارائه شده است و در نهایت پس از بررسی میزان برازش الگوی آزمون شده، نتایج مربوط به بررسی فرضیه تحقیق ارائه شده است.



شکل ۲. مدل فرضیه پژوهش بر اساس آماره استاندارد



شکل ۳. مدل فرضیه پژوهش بر اساس آماره غیراستاندارد

برای آزمون مدل ساختاری از شاخص‌هایی که گیفن و همکاران^۱ (۲۰۰۰) مطرح نموده‌اند، استفاده شد. این شاخص‌ها شامل موارد زیر هستند. X^2/df که مقادیر کمتر از ۳ قابل‌پذیرش هستند، شاخص برازش تطبیقی^۲ (CFI) و شاخص برازندگی افزایشی^۳ (IFI) که مقادیر بیشتر از ۰/۹ قابل‌قبول هستند، شاخص نرم شده برازندگی^۴ (NFI) که مقادیر بیشتر از ۰/۸ نشانگر برازش مناسب الگوی هستند و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب^۵ (RMSEA) که مقادیر کمتر از ۰/۰۸ نشانگر برازش مناسب الگو هستند. در جدول ۳ شاخص‌های برازش مدل آزمون شده تحقیق گزارش شده است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل مفهومی فرضیه اصلی تحقیق

مدل	X^2/df	IFI	CFI	NFI	RMSEA
حد قابل‌پذیرش	کمتر از ۳	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۸۰	کمتر از ۰/۰۸
مدل آزمون شده	۰/۰۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۳ شاخص مجذور خی دو بر درجه آزادی برای مدل آزمون شده، ۰/۰۰۰ به دست آمد که کمتر از حد قابل‌قبول ۳ می‌باشد. شاخص IFI، CFI و NFI نیز برابر ۱/۰۰ به دست آمد که بیشتر از حد قابل‌قبول می‌باشد. شاخص RMSEA نیز برای مدل آزمون شده ۰/۰۰۰ به دست آمد که کمتر از حد قابل‌قبول آن یعنی ۰/۰۸ می‌باشد. مدل تحلیل مسیر ارائه‌شده، مدلی همانند است. در مدل همانند، همه شاخص‌های برازش، ایده آل و کامل هستند.

1. Geffen et al
2. Comparative Fit Index
3. Incremental Fit Index
4. Normed Fit Index (NFI)
5. Root Mean Square Error of Approximation

جدول ۴. نتایج مدل یابی معادلات ساختاری مربوط به فرضیه پژوهش

ضریب (استاندارد نشده)	مسیر ضریب (استاندارد شده)	مسیر خطای برآورد	استاندارد آماره بحرانی	سطح معنی‌داری
۰/۰۰۲	۰/۰۱	۰/۰۰۸	۰/۲۰۶	۰/۸۴

طرح‌واره‌های هیجانی بر طلاق عاطفی در زوجین دارای ضریب تأثیر ۰/۰۱ (استاندارد شده) می‌باشد که آماره بحرانی مربوط به آن (۰/۲۰۶) مثبت بود. چون سطح معناداری مشاهده‌شده از ۰/۰۵ بیشتر است. لذا فرضیه تحقیق تأیید نمی‌شود؛ یعنی طرح‌واره‌های هیجانی بر طلاق عاطفی در زوجین تأثیر معناداری ندارد.

جدول ۵. نتایج مدل یابی معادلات ساختاری مربوط به فرضیه پژوهش (اثرات غیرمستقیم و کل)

مسیر		اثر غیرمستقیم			اثر کل	
غیراستاندارد	استاندارد	سطح معنی‌داری بوت	غیراستاندارد	استاندارد	غیراستاندارد	استاندارد
تأثیر طرح‌واره‌های هیجانی بر طلاق عاطفی (میانجی‌گری هوش هیجانی)	۰/۰۰۴	۰/۰۳	۰/۲۲	۰/۰۰۵	۰/۰۵	۰/۰۵

تأثیر غیرمستقیم طرح‌واره‌های هیجانی بر طلاق عاطفی معنادار نیست (سطح معنی‌داری ۰/۲۲ بیشتر از ۰/۰۵ است). بوت استرپ با ۲۰۰۰ بار نمونه‌گیری مجدد به‌دست‌آمده است. چون حداقل و حداکثر مقدار بوت استرپ ۰/۰۰۲- و ۰/۰۱۲ می‌باشد که عدد صفر در بین حداقل و حداکثر قرار می‌گیرد. لذا فرضیه تحقیق تأیید نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف طلاق عاطفی و طرح‌واره‌های هیجانی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی: نقش واسطه‌ای هوش هیجانی انجام شد. نتایج نشان داد که فرضیه پژوهش با آماره بحرانی (۰/۲۰۶) مثبت و سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ تأیید نمی‌شود. به‌بیان‌دیگر طرح‌واره‌های هیجانی بر طلاق عاطفی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه‌کننده به مرکز روان‌شناسی تهران تأثیر مستقیم ندارد که این نتایج با نتایج پژوهش‌های خرمی، دوکانه‌ای فرد و خاکپور (۱۳۹۹)، رشیدی (۱۳۹۴) و لعل زاده، اصغری ابراهیم‌آباد و حصار سرخی (۱۳۹۴) ناهمسو می‌باشد. این تفاوت در نتایج می‌تواند بدین علت باشد که متغیرهای موردبررسی در این پژوهش ممکن است تحت تأثیر متغیرهای شخصیتی، راهبردهای مقابله‌ای، باورهای مذهبی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و نوع ساختار خانواده و از این دست قرار گرفته و لذا نتایج متفاوتی را ایجاد کرده باشند. نتایج نشان داد که با سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵، تأثیر غیرمستقیم طرح‌واره‌های هیجانی بر طلاق عاطفی معنادار نیست و با توجه به حداقل و حداکثر مقدار بوت استرپ ۰/۰۰۲- و ۰/۰۱۲،

فرضیه تحقیق تأیید نمی‌شود. به بیان دیگر طرح‌واره‌های هیجانی بر طلاق عاطفی با میانجیگری هوش هیجانی در زوجین دارای تجربه طلاق عاطفی مراجعه‌کننده به مرکز روان‌شناسی تهران تأثیر غیرمستقیم ندارد و این نتایج با نتایج پژوهش موسوی خرمی، دوکانه ای فرد و خاکپور (۱۳۹۹) همسو می‌باشد.

با توجه به نظریه یانگ (۲۰۰۳)، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسان هستند که حاصل برآورده نشدن نیازهای اساسی در محیط او به کودک در ارتباط با پدر و مادر است و در سیر زندگی تکرار می‌شوند و بر نحوه تعبیر و تفسیر تجارب و رابطه با دیگران تأثیر می‌گذارند، از آنجاکه طرح‌واره‌های هیجانی ناسازگار، ناکارآمدند، نارضایتی و عدم صمیمیت در روابط زناشویی را در پی دارند و زمینه را برای جدایی فراهم می‌کنند و به همین خاطر است که طلاق عاطفی ایجاد می‌شود. به‌طور مثال افرادی که طرح‌واره هیجانی منفی دارند، نمی‌توانند دلبستگی ایمن و رضایت بخشی با دیگران ایفا کنند و بر این باورند که نیاز آن‌ها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نخواهد شد (یانگ، کلوסקو و ویشار، ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۹). به اعتقاد یانگ و گلوסקی (۱۹۹۷) این افراد در روابط عاشقانه، در حفظ هویت شخصی خود و شریکش طرح‌واره وابستگی دارد و ممکن است شریکی انتخاب کند که بیش از حد حامی بوده و بدین طریق دیدگاه او در مورد خودش یعنی وابستگی تقویت می‌شود. عده‌ای از این افراد با مستقل‌نمایی سعی در جبران افراطی طرح‌واره شان دارند که چه بسا دوری آن‌ها از صمیمیت نیز در راستای این مکانیسم است (به نقل از لعل زاده، اصغری ابراهیم‌آباد و حصار سرخی، ۱۳۹۴).

از آنجایی که ساخت شکل‌گیری طرح‌واره‌های هیجانی در افراد متفاوت بوده و هر شخص بنا به روحیات و خلیات خود مجموعه‌ای از ارزیابی‌ها، تفاسیر و راهبردها را در برابر هیجان‌ات مثبت و منفی به کار می‌گیرد و دست به تصمیم‌گیری می‌زند که اگر هیجان را بهنجار تشخیص داده به سمت اعتبار یابی و یادگیری حرکت می‌کند و اگر آسیب‌زا تشخیص داده به سمت اجتناب (به هر شکلی) یا ... حرکت می‌کند، پس می‌توان این‌طور برداشت نمود که با توجه به تمامی مسائل بیرونی و درونی از آماده‌سازی شخصیت هر انسان و همچنین سلاقی و به‌کارگیری شکل‌های متفاوت طرح‌واره‌های هیجانی، تأثیر آن‌ها بر هیجان پیش‌آمده‌ای مانند طلاق عاطفی مستقیم نبوده، کما اینکه نوع نگاه به هیجان مربوطه از منظر مثبت و منفی بنا به تجربیات شخصی هر فرد از زندگی عاطفی خود نیز متفاوت است و به میزان تأثیرگذاری آن بر زندگی جداگانه افراد بستگی دارد، به همین دلیل طرح‌واره‌های هیجانی متفاوتی را پدیدار می‌کند که شاید به‌هیچ‌وجه اثربخشی امیدبخشی یا ناکام‌کننده‌ای نداشته و صرفاً حالت کاذب را به خود گیرد.

اگر طرح‌واره‌های هیجانی قادر است که به درک و تفسیر موقعیت بپردازد و هیجان را به مرحله پردازش برای نشان دادن عکس‌العمل و گرفتن بازخورد ببرد، سبک‌های ابراز هیجان و همچنین واگویی هیجانی به دلیل تفاسیر، روش‌ها، گفتم آن‌ها، تفکرات و مدل‌های سرکوب یا پرداخت متعدد کاملاً بر این روند تأثیر داشته و بازخوردهای مختلفی را رقم خواهند زد که به شکل مستقیمی بر روند طلاق عاطفی زوجین تأثیر مستقیم دارند. نکته‌ای که حائز اهمیت است دخیل کردن اثبات تأثیر غیرمستقیم هوش هیجانی در هر سه این موارد طرح‌واره‌های هیجانی، ابراز هیجانی و واگویی هیجانی است که نتیجه در بردارنده عدم تأثیر غیرمستقیم نقش میانجیگری هوش هیجانی می‌باشد چراکه هوش هیجانی در حکم شناختن انگیزه رفتار، پایش و نظارت احساسات و استفاده از تمامی این موارد برای راهنمایی تفکر فرد است؛ به عبارت دیگر توانایی کنترل هیجان در لحظه بر عهده هوش هیجانی می‌باشد. با توجه به تعریف فوق هرکدام از موارد مطرح‌شده نیاز به عبور از

فیلتر پایش و نظارت هیجان‌رسانان را دارند و به‌طور مستقیم این روند نظارت هوش هیجانی بر بازدهی آن‌ها تأثیر گذاشته و شکل برون‌ریزی آن‌ها را تعیین خواهد کرد. به دلیل نقش هوش هیجانی در این چارچوب و مؤثر بودن شالوده آن بر تمام موارد ذکر شده بر طلاق عاطفی زوجین می‌توان نتیجه گرفت که جرعه شروع برای هر بازتاب هیجانی در فرد از نقش میانجی‌گری هوش هیجانی او عبور کرده و این مقوله به‌صورت کاملاً مستقیم در نوع واکنش هر انسان نسبت به رویدادهای هیجانی خود نقش دارد. چراکه ضرورت وجود هر برخورد هیجانی، شناختن انگیزه و توانایی تحلیل آن احساس است که حتی می‌تواند نتیجه موفق‌تری نداشته باشد و این وظیفه بر عهده هوش هیجانی می‌باشد. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن پژوهش به زنان شهر تهران اشاره کرد که این موجب محدودیت در تعمیم نتایج می‌شود. برای افزایش تعمیم‌پذیری نتایج به پژوهش‌های بیشتری در شهرهای مختلف نیاز هست. برگزاری کارگاه‌های مختلف برای آموزش الگوهای صحیح ارتباط برای زوجین ضروری به نظر می‌رسد. پیشنهاد می‌شود با برگزاری کارگاه‌هایی در مراکز مشاوره با حضور همسرانی که از وجود مشکل طلاق عاطفی رنج می‌برند یا متقاضی طلاق هستند و ارائه آموزش‌های لازم به آن‌ها در جهت بهبود طرح‌واره‌های هیجانی و هوش هیجانی، در کاهش طلاق عاطفی کمک کرد.

موازین اخلاقی

در این پژوهش موازین اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- جهاندار لاشکی، سهیلا، کاکابرایی، کیوان، و حسینی، سعیده السادات. (۱۳۹۹). الگوی علی روابط بین‌گرایش به خیانت زناشویی بر اساس مصرف رسانه با میانجی‌نگرش‌های ناکارآمد و طلاق عاطفی. *نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۵۱ (۱۵)، ۹۰-۷۱.
- حاجی زاده میمندهی، مسعود، مداحی، جواد، کریمی، یزدان، حدت، الهه، و غروری، ملینا. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی (مطالعه موردی متاهلین شهر شیراز). *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۸ (۷۱)، ۸۱-۶۳.
- خاتمی، سیدمحمدحسین، بیان فر، فاطمه، و طباطبایی، سیدموسی. (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای قاطعیت جنسی در رابطه بین خودکارآمدی جنسی و طلاق عاطفی. *نشریه روانشناسی خانواده*، ۷ (۱)، ۱۲۰-۱۰۷.
- دشتبان جامی، سعید، بیاضی، محمدحسین، زعیمی، حسین، و حجت، سیده کاوه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه طرح‌واره‌های هیجانی و باورهای فراشناختی با افسردگی در مراجعه‌کنندگان به مراکز خدمات روانشناختی و مشاوره ایی شهرستان تربت جام. *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*، ۶ (۲)، ۲۹۷-۳۰۵.

- رشیدی، سمانه. (۱۳۹۴). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس ناگویی هیجانی و طرح‌واره‌های شناختی در دانشجویان دانشگاه الزهرا. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا تهران.
- رمضانی فر، حدیثه، کلدی، علیرضا، و قدیمی، بهرام. (۱۴۰۰). تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن. فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۱۹ (۲)، ۱۶۷-۱۹۱.
- رهسپار، طیبه، خیر، محمد، برزگر، مجید، و کورش نیا، مریم. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای پذیرش اجتماعی و طرح‌واره‌های هیجانی در رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و انگیزش تحصیلی دانش آموزان متوسطه دوره دوم. مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱۰ (۳۸)، ۵۹-۷۶.
- لعل زاده، انیسه، اصغری ابراهیم‌آباد، محمدجواد، و حصار سرخی، ربابه. (۱۳۹۴). بررسی نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی طلاق عاطفی. مجله روان‌شناسی بالینی، ۷ (۲)، ۱۰۸-۱۰۱.
- موسوی خرمی، زهرا، دوکانه ای فرد، فریده، و خاکپور، رضا. (۱۳۹۹). الگوی طلاق عاطفی بر اساس مولفه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری هوش هیجانی. مجله سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۴ (۳)، ۶۳-۷۴.
- موسوی، سیده فاطمه، و رحیمی نژاد، عباس. (۱۳۹۴). مقایسه منزلت‌های هویت بین فردی زنان و مردان متأهل با توجه به وضعیت طلاق عاطفی. مجله پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۶ (۱)، ۲۴-۱۱.
- یانگ، جفری، کلوسکو، ژانت، و ویشار، مارجوری. (۲۰۰۳). طرح‌واره درمانی (راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی)، ترجمه حسین حمیدپور و زهرا اندوز. تهران: انتشارات ارجمند.

References

- Anyamene, A. (2020). Relationship between Emotional Intelligence and Marital Satisfaction of Male and Female Married Teachers in Anambra State. *European Journal of Educational Sciences*, 7(3), 1-16.
- Cho, Y. & Lee, D. (2018). 'Love honey, hate honey bees': reviving biophilia of elementary school students through environmental education program. *Environmental Education Research*, 24(3), 445-460.
- Damo, D. D. & Cenci, C. M. B. (2021). Emotional Divorce: Similarities and Differences According to the Position Occupied. *Trends in Psychology*, 1-14.
- Davis, S. K. Morningstar, M. Dirks, M. A. & Qualter, P. (2020). Ability emotional intelligence: What about recognition of emotion in voices? *Personality and Individual Differences*, 160, 109938.
- Ferres, M. A. Segura, I. V. & Expósito, F. (2019). Couple conflict-facing responses from a gender perspective: Emotional intelligence as a differential pattern. *Psychosocial Intervention*, 28(3), 147-156.
- Frost, L. & Scott, H. (2020). What is known about the secondary traumatization of staff working with offending populations? A review of the literature. *Traumatology*.
- Horwitz, A. Helen, R. Sandra, H. W. (2019). Becoming Married and Mental Health: A Longitudinal Study Of A Scohort Of Young Adults. *Journal Of Marriage and the family therapy*, 58(6): 895-907.
- Jarwan, A. S. & Al-frehat, B. M. (2020). Emotional Divorce and Its Relationship with Psychological Hardiness. *International Journal of Education and Practice*, 8(1), 72-85.

- Jurma, A. M. (2015). Impact of divorce and mother's psychological well-being on children's emotional, behavioral, and social competences. *Revista de Cercetare și Intervenție Socială*, (48), 69-82.
- Šifrar, T. Majoranc, K. & Kajtna, T. (2020). Matching of Personality Traits, Emotional Intelligence and Social Skills among Dance Partners in Competitive Dancing. *Kinesiology*, 52(2), 242-249.
- Simonič, B. & Klobučar, N. R. (2017). Experiencing positive religious coping in the process of divorce: a qualitative study. *Journal of religion and health*, 56(5), 1644-1654.
- Still, L. L & Kid, H. (2008). The life stories of motherhood among divorced women in Taiwan. *Journal of Nursing Research*, 16(3), 220-230.
- Zhang H(2019). Association between parental marital conflict and Internet addiction: A moderated mediation analysis. *J Affective Disorders*. 22(3):27-32.

پرسشنامه طلاق عاطفی

سوالات	بله	خیر
۱. در این ازدواج بسیار بیشتر از آنچه پیش بینی می کردم احساس تنهایی می کنم	۱	۰
۲. ما آنقدرها که آرزو داشتم بهم نزدیک نیستیم	۱	۰
۳. در این ازدواج احساس بیهودگی می کنم	۱	۰
۴. انجام کارهای مشترک برایم خسته کننده است	۱	۰
۵. حتی وقتی با هم هستیم احساس بی قراری و اندوه می کنم	۱	۰
۶. بیشتر وقتها نمیدانم خود را چگونه سرگرم کنم	۱	۰
۷. گاهی در این ازدواج احساس بی حوصلگی و بیقراری میکنم	۱	۰
۸. در حسرت کسی هستم که در کنار او احساس نزدیکی کنم	۱	۰
۹. حس تنهایی بسیار آزارم میدهد	۱	۰
۱۰. انگار ازدواجم چیزی کم دارد	۱	۰
۱۱. کاش اطرافیانم بیشتر به من زنگ میزدند	۱	۰
۱۲. اغلب دلم میخواهد کسی را داشتم که در کنارش باشم	۱	۰
۱۳. احساس نمیکنم بخشی از زندگی کسی هستم	۱	۰
۱۴. احساس نمیکنم به کسی تعلق دارم	۱	۰
۱۵. اغلب به لحاظ عاطفی احساس انزوا میکنم	۱	۰
۱۶. در این ازدواج احساس طرد شدگی میکنم	۱	۰
۱۷. کسی را ندارم که به او پناه ببرم	۱	۰
۱۸. اغلب در رابطه با همسر احساس میکنم فراموش شده ام	۱	۰
۱۹. هیچ کس مرا نمیشناسد	۱	۰
۲۰. هیچ کس مرا درک نمیکند	۱	۰
۲۱. اغلب هیچ کس را ندارم که با او حرف بزنم	۱	۰
۲۲. اغلب نیاز شدیدی به داشتن یک هم صحبت احساس میکنم	۱	۰
۲۳. احساس میکنم در این ازدواج کاملا کنار گذاشته شده ام	۱	۰
۲۴. احساس جدا بودن میکنم (یا همسر)	۱	۰

پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان (Bar-On)

ردیف	سوالات	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	به نظر من برای غلبه به مشکلات باید گام به گام پیش رفت.	۵	۴	۳	۲	۱
۲	لذت بردن از زندگی برایم مشکل است.	۵	۴	۳	۲	۱
۳	شغلی را ترجیح میدهم که حتی الامکان ، من تصمیم گیرنده باشم.	۵	۴	۳	۲	۱
۴	میتوانم بدون تنش زیاد ، با مشکلات مقابله کنم.	۵	۴	۳	۲	۱
۵	میتوانم برای معنی دادن به زندگی تا حد امکان تلاش کنم.	۵	۴	۳	۲	۱
۶	نسبت به هیجان هایم آگاهی دارم.	۵	۴	۳	۲	۱
۷	سعی میکنم بدون خیال پردازی ، واقعیت امور را در نظر بگیرم.	۵	۴	۳	۲	۱
۸	به راحتی با دیگران دوست می شوم.	۵	۴	۳	۲	۱
۹	معتقدم توانایی تسلط بر شرایط دشوار را دارم.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	بیشتر مواقع به خودم اطمینان دارم.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۱	کنترل خشم برایم مشکل است.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۲	شروع دوباره برایم سخت است.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۳	کمک کردن به دیگران را دوست دارم.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۵	هنگامی که از دیگران خشمگین میشوم ، نمیتوانم با آنها در این مورد بحث کنم.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۶	هنگام روبرویی با یک موقعیت دشوار، دوست دارم تا حد ممکن در مورد آن اطلاعات جمع کنم.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۷	خندیدن برایم سخت است.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۸	هنگام کار کردن با دیگران ، بیشتر پیرو افکار آنها هستم تا خودم.	۵	۴	۳	۲	۱
۱۹	نمیتوانم به خوبی فشار ها را تحمل کنم.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۰	در چند سال گذشته کمتر کاری را به نتیجه رساندم.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۱	به سختی میتوانم احساسات عمیقم را با دیگران در میان بگذارم.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۲	دیگران نمی فهمند که من چه فکری دارم.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۳	به خوبی با دیگران همراهی میکنم.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۴	به اغلب کار هایی که انجام میدهم، خوش بین هستم.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۵	برای خودم احترام قائل هستم.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۶	عصبی بودنم مشکل ایجاد میکند.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۷	به سختی میتوانم فکرم را در مورد مسائل تغییر دهم.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۸	کمک به دیگران مرا کسل نمیکند، به خصوص اگر شایستگی آن را داشته باشم.	۵	۴	۳	۲	۱
۲۹	دوستانم میتوانند مسائل خصوصی خودشان را با من در میان بگذارند.	۵	۴	۳	۲	۱
۳۰	میتوانم مخالفتم را با دیگران ابراز نمایم.	۵	۴	۳	۲	۱
۳۱	هنگام مواجهه با یک مشکل ، اولین کاری که انجام میدهم دست نگه داشتن و فکر کردن است.	۵	۴	۳	۲	۱
۳۲	فرد با نشاطی هستم.	۵	۴	۳	۲	۱
۳۳	ترجیح میدهم دیگران برایم تصمیم بگیرند.	۵	۴	۳	۲	۱
۳۴	احساس میکنم کنترل اضطراب برایم مشکل است.	۵	۴	۳	۲	۱
۳۵	از کار هایی که انجام میدهم ، راضی نیستم.	۵	۴	۳	۲	۱
۳۶	به سختی میفهمم چه احساسی دارم.	۵	۴	۳	۲	۱
۳۷	تمایل دارم با آنچه در اطرافم میگذرد رو به رو شوم و از برخورد با آنها طفره میروم.	۵	۴	۳	۲	۱
۳۸	روابط صمیمی با دوستانم برای هر دو طرف برایمان اهمیت دارد.	۵	۴	۳	۲	۱
۳۹	حتی در موقعیت های دشوار ، معمولاً برای ادامه ی کار انگیزه دارم.	۵	۴	۳	۲	۱
۴۰	نمیتوانم خودم را اینطور که هستم ببینم.	۵	۴	۳	۲	۱

۱	۲	۳	۴	۵	دیگران به من میگویند هنگام بحث ، آرام تر صحبت کنم.	۴۱
۱	۲	۳	۴	۵	به آسانی با شرایط جدید سازگار میشوم.	۴۲
۱	۲	۳	۴	۵	به کودک گم شده کمک میکنم ، حتی اگر همان موقع جای دیگری کار داشته باشم.	۴۳
۱	۲	۳	۴	۵	به اتفاقی که برای دیگران میوفتد ، توجه دارم.	۴۴
۱	۲	۳	۴	۵	" نه گفتن " برایم مشکل است.	۴۵
۱	۲	۳	۴	۵	هنگام تلاش برای حل یک مشکل ،راه حل های ممکن را در نظر می آورم ، سپس بهترین را انتخاب میکنم.	۴۶
۱	۲	۳	۴	۵	از زندگی ام راضیم.	۴۷
۱	۲	۳	۴	۵	تصمیم گیری برایم مشکل است.	۴۸
۱	۲	۳	۴	۵	میدانم در شرایط دشوار چگونه آرامشم را حفظ کنم.	۴۹
۱	۲	۳	۴	۵	هیچ چیز در من علاقه ایجاد نمیکند.	۵۰
۱	۲	۳	۴	۵	از احساسی که دارم آگاهم.	۵۱
۱	۲	۳	۴	۵	در تصورات و خیال پردازی هایم غرق میشوم.	۵۲
۱	۲	۳	۴	۵	با دیگران رابطه ی خوبی دارم.	۵۳
۱	۲	۳	۴	۵	معمولا انتظار دارم مشکلات به خوبی ختم شود ، هر چند گاهی چنین نمیشود.	۵۴
۱	۲	۳	۴	۵	از اندام و ظاهر خود راضی هستم.	۵۵
۱	۲	۳	۴	۵	کم صبر هستم.	۵۶
۱	۲	۳	۴	۵	میتوانم عادات قبلی ام را تغییر دهم.	۵۷
۱	۲	۳	۴	۵	اگر لازم باشد با زیر پا گذاشتن قانون از موقعیتی فرار کنم، این کار را انجام میدهم.	۵۸
۱	۲	۳	۴	۵	نسبت به احساسات دیگران حساس هستم.	۵۹
۱	۲	۳	۴	۵	میتوانم به راحتی افکارم را به دیگران بگویم.	۵۹
۱	۲	۳	۴	۵	هنگام حل کردن مسائل ، به سختی میتوانم در مورد انتخاب بهترین راه حل تصمیم گیری کنم.	۶۱
۱	۲	۳	۴	۵	اهل شوخی هستم.	۶۲
۱	۲	۳	۴	۵	در انجام دادن کارها و امور مختلف به دیگران وابسته ام.	۶۳
۱	۲	۳	۴	۵	رو یا رویی با مسائل نا خوشایند برایم مشکل است.	۶۴
۱	۲	۳	۴	۵	حتی الامکان کارهایی را به عهده میگیرم که برایم لذت بخش است.	۶۵
۱	۲	۳	۴	۵	حتی هنگام آشفتگی از آنچه که در من اتفاق می افتد ، آگاهم.	۶۶
۱	۲	۳	۴	۵	تمایل به مبالغه گویی دارم.	۶۷
۱	۲	۳	۴	۵	به نظر دیگران ، من فردی اجتماعی هستم.	۶۸
۱	۲	۳	۴	۵	به توانایی ام برای مقابله با دشوار ترین مسائل اطمینان دارم.	۶۹
۱	۲	۳	۴	۵	از شیوه ی نگرش و فکرم راضی هستم.	۷۰
۱	۲	۳	۴	۵	بد جوری خشمگین میشوم.	۷۱
۱	۲	۳	۴	۵	معمولا ایجاد تغییر در زندگی روزانه ام برایم سخت است.	۷۲
۱	۲	۳	۴	۵	قادر هستم احترام به دیگران را حفظ کنم.	۷۳
۱	۲	۳	۴	۵	دیدن رنج دیگران برایم سخت است.	۷۴
۱	۲	۳	۴	۵	به نظر دیگران ،من نمیتوانم احساسات و افکارم را بروز دهم.	۷۵
۱	۲	۳	۴	۵	هنگام رو به رو شدن با شرایط دشوار سعی میکنم در مورد راه حل های ممکن فکر کنم.	۷۶
۱	۲	۳	۴	۵	افسرده هستم.	۷۷
۱	۲	۳	۴	۵	فکر میکنم من به دیگران بیشتر احتیاج دارم تا دیگران به من.	۷۸
۱	۲	۳	۴	۵	مضطرب هستم.	۷۹
۱	۲	۳	۴	۵	در مورد آنچه میخواهم در زندگی انجام دهم ، فکر مشخص و خوبی ندارم.	۸۰
۱	۲	۳	۴	۵	به سختی میتوانم از امور برداشت صحیحی داشته باشم.	۸۱

۱	۲	۳	۴	۵	۸۲	به سختی میتوانم احساساتم را بیان کنم.
۱	۲	۳	۴	۵	۸۳	با دوستانم رابطه صمیمی برقرار میکنم.
۱	۲	۳	۴	۵	۸۴	قبل از شروع کار های جدید معمولاً احساس میکنم شکست خواهم خورد.
۱	۲	۳	۴	۵	۸۵	هنگام بررسی نقاط ضعف و قوتم باز هم در مورد خودم احساس خوبی دارم.
۱	۲	۳	۴	۵	۸۶	هنگام عصبانیت زود از کوره در میروم.
۱	۲	۳	۴	۵	۸۷	اگر مجبور به ترک وطن باشم ، سازگاری برایم دشوار خواهد بود.
۱	۲	۳	۴	۵	۸۸	به نظر من پابندی یک شهروند به قانون مهم است.
۱	۲	۳	۴	۵	۸۹	از جریحه دار کردن احساسات دیگران خودداری میکنم.
۱	۲	۳	۴	۵	۹۰	مشکل میتوانم از حق خودم دفاع کنم.

پرسشنامه طرح‌واره‌های هیجانی

ردیف	عبارت	کاملاً موافقم	تا حدی موافقم	کمی مخالفم	تا حدی مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	وقتی ناراحتم، سعی می‌کنم به موضوع از چشم‌انداز دیگری بنگرم.	۰	۱	۲	۳	۴
۲	اغلب فکر می‌کنم درگیر احساساتی هستم که دیگران آن‌ها را تجربه نمی‌کنند.	۰	۱	۲	۳	۴
۳	داشتن برخی احساسات، اشتباه است.	۰	۱	۲	۳	۴
۴	حقایق در مورد خودم وجود دارد که اصلاً از آن‌ها سر در نمی‌آورم.	۰	۱	۲	۳	۴
۵	بر این باورم که باید به خودم اجازه دهم تا با گریه کردن، احساساتم تخلیه شوند.	۰	۱	۲	۳	۴
۶	اگر به خودم اجازه‌ی تجربه برخی از احساسات را بدهم، می‌ترسم کنترلم را از دست بدهم.	۰	۱	۲	۳	۴
۷	دیگران احساسات مرا درک می‌کنند و می‌پذیرند.	۰	۱	۲	۳	۴
۸	احساساتم برایم معنایی ندارد.	۰	۱	۲	۳	۴
۹	اگر دیگران تغییر کنند، احساس بهتری پیدا می‌کنم.	۰	۱	۲	۳	۴
۱۰	فکر می‌کنم احساساتی دارم که واقعاً از آن‌ها آگاه نیستم.	۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	به خاطر احساساتم، احساس شرمندگی می‌کنم.	۰	۱	۲	۳	۴
۱۲	هیچکس از ته دل به احساسات من اهمیت نمی‌دهد.	۰	۱	۲	۳	۴
۱۳	برایم مهم است که به جای احساساتی بودن و بروز دادن هیجانانگیز، فردی منطقی و اهل عمل باشم.	۰	۱	۲	۳	۴
۱۴	زمانی که احساسات متناقضی (مانند عشق و نفرت همزمان) به یک شخص دارم، این وضعیت برایم غیرقابل تحمل است.	۰	۱	۲	۳	۴
۱۵	وقتی احساس ناراحتی می‌کنم، سعی می‌کنم به موضوعات مهم‌تر زندگی و آنچه برایم ارزشمند است فکر کنم.	۰	۱	۲	۳	۴
۱۶	احساس می‌کنم می‌توانم به راحتی احساساتم را ابراز کنم.	۰	۱	۲	۳	۴
۱۷	اغلب با خودم می‌گویم "مشکلم چیست"؟	۰	۱	۲	۳	۴
۱۸	خودم را فردی سطحی‌نگر می‌دانم.	۰	۱	۲	۳	۴
۱۹	نگرانم نتوانم احساساتم را کنترل کنم.	۰	۱	۲	۳	۴
۲۰	انسان مجبور است در مقابل داشتن احساسات خاصی جبهه بگیرد.	۰	۱	۲	۳	۴
۲۱	نمی‌توانید بر اساس احساساتتان به این نتیجه برسید که چه چیزی برایتان خوب است.	۰	۱	۲	۳	۴
۲۲	من نباید برخی احساساتی را که دارم، داشته باشم.	۰	۱	۲	۳	۴

۴	۳	۲	۱	۰	۲۳	فکر می‌کنم احساساتم غیرعادی و عجیب و غریب هستند.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۴	دیگران باعث می‌شوند احساسات ناخوشایندی در من به وجود آید.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۵	وقتی احساسی دارم که مرا ناراحت می‌کند، سعی می‌کنم به موضوع دیگری فکر کنم یا کار دیگری انجام دهم.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۶	وقتی ناراحتم، گوشه‌ای می‌نشینم و مدام به این مسئله فکر می‌کنم که چقدر احساس بدی دارم.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۷	دوست دارم احساساتم نسبت به دیگران کاملاً روشن و واضح باشد.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۸	احساسات دیگران شبیه به احساسات من است.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۹	احساساتم را می‌پذیرم.
۴	۳	۲	۱	۰	۳۰	فکر می‌کنم درست همان احساساتی را دارم که دیگران دارند.
۴	۳	۲	۱	۰	۳۱	ارزش‌های والاتری وجود دارد که دوست دارم به آن‌ها دست‌یابم.
۴	۳	۲	۱	۰	۳۲	فکر می‌کنم احساسات فعلی من، هیچ ربطی به نحوه بزرگ شدن من ندارد.
۴	۳	۲	۱	۰	۳۳	نگران این هستم که اگر احساسات خاصی را تجربه کنم، ممکن است دیوانه شوم.
۴	۳	۲	۱	۰	۳۴	به نظر می‌رسد احساساتم از جایی سرچشمه نمی‌گیرد.
۴	۳	۲	۱	۰	۳۵	فکر می‌کنم خیلی مهم است که تقریباً در هر کاری منطقی و خردمندانه عمل کنم.
۴	۳	۲	۱	۰	۳۶	دوست دارم احساسی که نسبت به خودم دارم برایم کاملاً شفاف باشد.
۴	۳	۲	۱	۰	۳۷	درعین‌حالی که می‌دانم احساسات خاصی دارم، دلم نمی‌خواهد وجود آن‌ها را بپذیرم.

Emotional Divorce and Emotional Schemas in Couples with Emotional Divorce Experience: The Mediating Role of Emotional Intelligence

Neda. Entezarkheir¹, Marziyeh. Alivandi Vafa^{2*} & Seyyed Davoud. Hosseini-Nasab³

Abstract

Aim: This study was conducted with the aim of emotional divorce and emotional schemas in couples with emotional divorce experience: the mediating role of emotional intelligence. **Methods:** The research method is cross-sectional correlation. The statistical population of this study consisted of all married women referring to counseling clinics in region 1 of Tehran with the field of couple therapy counseling in 1400, from which 220 people were selected by available sampling method. In this study, the tools of emotional divorce (Guttman, 1999), emotional schemas (Leahy, 2002) and emotional intelligence (Bar-On, 1980) were used, all of which had acceptable validity and reliability. SPSS-V22 and Amos-V22 software were used to analyze the data. Structural equation modeling was also used to answer the research hypotheses. **Results:** Findings showed that the model has a good fit. The results showed that emotional schemas did not have a direct effect on emotional divorce in couples with emotional divorce experience referred to Tehran Psychological Center. **Conclusion:** The results also showed that emotional schemas do not have an indirect effect on emotional divorce mediated by emotional intelligence in couples with emotional divorce experience referred to Tehran Psychological Center.

Keywords: *Emotional Divorce, Emotional Schemas, Emotional Intelligence*

1. PhD student of Psychology Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2. ***Corresponding Author:** Assistant Professor, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Email: dr.vafa@gmail.com

3. Professor, Department of Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran